

سخن اول

فصلنامه مطالعات تاریخی

عرصه تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری از چنان وسعتی برخوردار است که اجازه حضور استعداد‌های گونه‌گون را در مساحت خود می‌دهد. بی‌جا نیست اگر این عرصه را به ساخت و ساز یک بنا تشبیه کنیم. همان‌طور که مواد و مصالح، مهندس و طراح هر یک به فراخور تأثیر و دانش خود، از ملزومات آغاز و انجام یک ساختمان به شمار می‌روند، در این جا نیز اسناد و مدارک، و مورخ و پژوهشگر از ضروریات امر تاریخ‌نگاری هستند. حال اگر ادعا شود که تدوین تاریخ معاصر ایران به درستی بنا شده و هر کسی که از برون و درون این سازه را بنگرد می‌تواند به «عین» به آنچه گذشته است پی ببرد، باید ثابت شود که طراحی، پایه‌ریزی، اسلوب ساخت و چینش اطلاعات و در نهایت پرداخت آن، با روشمندی و هوشیاری اعمال شده است. و اگر معلوم شود نگارش تاریخ معاصر ایران به جایی نرسیده که آن را به عنوان بنایی کامل شناسایی کنیم، باید گفت در مواد اولیه، طراحی و کوشندگی، نقص و کمبود وجود داشته است.

در اینجا قصد اثبات یکی از دو صورت یاد شده را نداریم، بلکه با اتکا به گزاره نخست می‌گوییم که با حضور افراد پرشماری در این عرصه (کارگاه) رو به رو هستیم. از دیگر سو مواد و عناصر (اسناد و مدارک) چشمگیری را می‌توان نشان داد که بسنده ساخت تاریخ معاصر هستند. اگر نام کسان و افرادی که در دهه گذشته مقاله‌ها و کتابهای تاریخی را امضا کرده‌اند، احصاء کنیم و چنانچه مواد و منابعی که در همین زمان از اسناد و خاطرات گرفته تا ترجمه‌ها و تألیفها را ردیف نماییم، می‌توانیم بگوییم که نیروی انسانی علاقه‌مند و مصالح کافی برای تدوین تاریخ معاصر ایران فراهم است. اما وجود این دو اسباب، می‌تواند علت نهایی برای بنای این ساختمان باشد؟ آیا طراحی و مهندسی که عامل مهم این سازه است در مساحت پژوهشهای تاریخی دیده می‌شود؟ آیا در میان استعداد‌های گوناگون این عرصه نظریه‌پردازان روشمندی

سازمان

رنگارنگات اما الله مه انالله

که توان طراحی هندسه تاریخ معاصر ایران را داشته باشند، حاضر هستند؟ آیا سازمانها و مراکز علمی کشور در میان تولید خیل علاقه‌مندان به تاریخ، توان آفریدن مهندسان علم تاریخ را هم داشته‌اند؟

دوستداران تاریخ می‌توانند چینه‌ها اطلاعات باشند. آنها می‌توانند با مواد پیش رو بالا بر ارتفاع این سازه باشند، اما بر بنیاد کدام نظریه و بر اساس کدام روش؟ اگر اعتراف کنیم که در ساخت و تدوین تاریخ معاصر ایران با کمبود طراحان و نظریه‌پردازان علم تاریخ روبه‌رو هستیم، با این که به فقد یک پدیده تمام کننده اذعان کرده‌ایم، اما این فقدان الزاماً به مفهوم وجود عیب و نقص نیست. زیرا مسیر پشت سر به نحوی طی شده که زایش مهندسان تاریخ‌نگاری، در راه پیش رو، امری طبیعی خواهد بود. از یک امر طبیعی یاد می‌کنیم چون ما در موضوع تاریخ‌نگاری از دنیایی به دنیای دیگر پا گذاشته‌ایم. ما از دنیای ترجمه، به دنیای تدوین و تألیف گام نهاده‌ایم. این یک اتفاق مهم در تاریخ تاریخ‌نگاری ایران معاصر است. بیش از دو دهه است که در دنیای جدید تألیف و تدوین بسر می‌بریم. میل و شوق ساختن در این دوره مشهود است. کوششهای چشمگیری برای انتشار اسناد، مدارک و تولید منابع جدید صورت گرفته است. طبیعی است که در این جابه‌جایی، علاقه‌مندان به تاریخ زودتر از طراحان آن پدید آیند؛ گزارشگران، پیشتر از مورخان رخ نمایند.

عرصه تاریخ‌پژوهشی امروز را با همه استعدادهای گونه‌گون باید ارج نهاد و با چشم‌داشت به ظهور نظریه‌پردازان هوشمند، دور نیست که سازه تاریخ معاصر ایران در آینده‌ای نزدیک بنایی دیدنی و ستودنی باشد.